

زیبایی آفرینش

چشم دل باز کن که جان بینی / آنچه نادیدنی است آن بینی

معنی : چشم حقیقت بین خود را باز کن تا خداوند و حقیقت را ببینی ، آنچه که با چشم سر نمی توان دید آنها را ببینی

صورتگر ماهر

راستی را کس نمی داند که در فصل بهار / از کجا گردد پدیدار این همه نقش و نگار ؟
عقل ها حیران شود که از خاک تاریک نژند / چون برآید این همه گل های نغز کامکار ؟
چون نپرسی کاین تماثیل از کجا آمد پدید ؟ / چون نجویی کاین تصاویر از کجا شد آشکار ؟
برق از شوق که می خندد بدین سان قاه قاه ؟ / ابر از هجره که می گرید بدین سان زار زار ؟
کیست آن صورتگر ماهر که بی تقلید غیر / این همه صورت برد بر صفحه هستی به کار ؟

معنی :

بیت اول : به درستی که کسی نمی داند که در فصل زیبای بهار ، از کجا این همه پدیده های آفرینش آشکار شده

بیت دوم : عقل ها متعجب می شوند که از خاک تاریک و سرد و بی رو ، چگونه این همه گل های لطیف و سرخ می روید

بیت سوم : چگونه نمی پرسی که این شکل ها و پدیده ها از کجا آشکار شده است ؟ ، و چگونه جستجو نمی کنی که این همه تصاویر (نعمت ها) از کجا ظاهر شده است ؟

بیت چهارم : برق از اشتیاق چه کسی این گونه قاه قاه می خندد ؟ ، ابر از دوری چه کسی این گونه زارزار گریه می کند ؟